

ایشان را در خواب دیدم. عتبات است و در اوج به پیر بر میگردد. البته چندان
 خوشحال نیستم. این بار از نظر بستر خدمت کردم. زیادتن را در منم و نور را بطرف آریا مردم بازتر در درو
 ۲۱ روزه هم بتان خانه بود. دنبال آقا بریدیم هم خندیدیم که در ترانج شلوغی بیداریم خردم. باید
 صاف و آریا نگذاریم، بخدمت سر ساره خندلی که هم عرض شده بود.
 به حال نذار که تا هر از بر نامه - در تا این زمان به هیچ انقضیه اش آمده است - را برایتان میفرستم
 همراه بکت -

البته خنیر هم میزبان است و وقت دیدن از نزدیک بهمان واث رسد در اولین فرصتی که پیر آمده
 دیدن آن می آیم و کبود این بیت سال را بایران می کنیم! و یک دل به حرف می زنیم -
 این راه هم بخوبی در قبل از بخت بی عاطفگی یا اینکه کسی نخواهد بمن اجازه بدهد مشکل خبر
 وقت بود. چون در وقت اگر بخوبی اگر این کار در موردش با همه فاعیل به شایسته بود، به من
 هم می رسید. در شان این بنیاد بود در سرافقت آدم. در مورد هم بخوبی در سر زدن به فاعیل
 در سهل است. هر کلمه ماندم در میری در مردم با مخواست و اراده خندم است و اگر بنا حق
 اجیدی در آن به بنیاد یا مراهاخ دفتر تازه ساله سابق به بنیاد یا ما را به رژیم خنیری عرضی گرفته اند که
 امید دارم هاخ اولی باشد.

نظم من راه در رسم آزادی و آزادی در آید آن قاطع در مقابل دشمنان و موافق آزادی است.
 آری هم یک مشت آخوند بجل دی سرو به جهان مردم افتاده اند و هوشان را آندر شیشه
 کرده اند. اتفاقاً هلدس هیزد بدست دست ایستاد آندانی در بر حفظ قدرت است
 به همکاری می زند به قول ما نیز در همین بر نامه لایزال آمده بود. ما به تاریخ حکایت
 هر کلمه زندگ کردن در رژیم آخوند که تو همین و تحیر است. چون زنها، ضعیفه کنی هستند در تبدیل
 مقامات رسم رژیم در رفیقان مغزبان که چکتر از مردم است و بدرد بردگی نمیدند و نه تنها در فضا صاحب

تقسیم نیمی جهانی ندارند که حق مساوت به تنهایی و با حق طلاق ندارند... هر روز در هر عت
 با فداگر رنگارنگ آهوند؟ حکم رسم بر زنانی کردن بد همچنان، فداکاری ممنوعیت لعنت در دست در صحنه
 و هزار فداگر سخته دیگر آنهم نه در کتبی مثل پاکستان و بنفدش، در کتبی مثل ایران با آخ سال
 تا بجز دشتوانه فکری، در شرایطی در اکثر طبعی آنان با لافش خود کشی که خود سخته است.
 قرچین کتبی سخته به سخته بود؟ سخته سخته نبود؟ به عادت دیگر حیطه سخته به ضایل بود.
 بر این مونا حسن نویسنده مصری بدیسی میگوید "عشق در صحنه ای در مردانش با بردار از فرزندانی
 تا خ هتند عشق بیارالت و مردی در مدگی با حفته کردن زنان مصنای برابر دارد. برایم به اثبات سیده
 در عطفه در جهان زن و مرد راهی جز لغزش و شکست در یک سینه است (استبداد، و فرمان پذیر یا کیم گفته
 ندارد به این ترتیب اگر زن در در عشق به مرد برسد، به بد قتل لزه چیز ما آریانه سیده در نماط آخ
 زندگی کند و اگر مرد هم بخواند هر چه بد شد استبداد به آریانه پیوند سیده به او اعتماد به نفس را از زن
 دارد در این صورت عشق با لذت با کتبی در اهل ان زن و مرد را استکام خواهد بود."

آدم در سینه را بر آخ کتبی در آن خوانند برایم بنویسد. این آخ در صحنه ای است در هزار خ

Ferial Soltani
 91 Av Marchal Gallieni,
 78700 Conflans st honorine
 France

اگر این آخ کتبی در سینه ما به هر چه سخته به در حضور عه جان و بی که آقا سخته

و عشق
 فول